

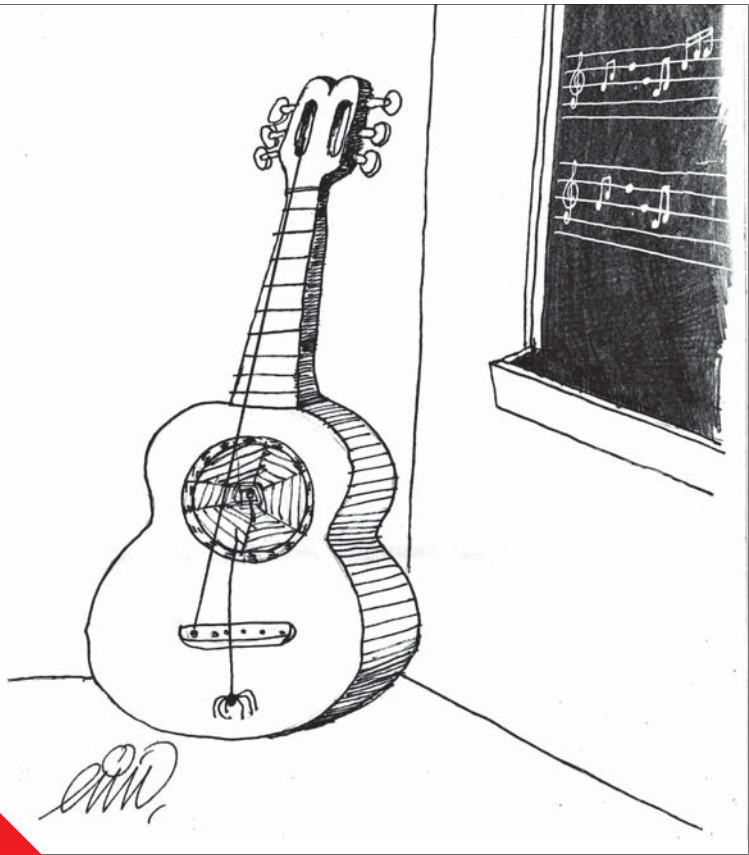
بعد از دریافت دو جایزه جشنواره اسلونی
**شهرام مگری جایزه اش را
 به تیم ملی تقدیم کرد**



● **شرق:** فیلم ساخته شهرام مکری و تهیه کنندگی سپهرسیفی نشان ویژه هیات داوران و جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران جشنواره فیلم بلد اسلونی را دریافت کرد. شب گذشته در مراسم اختتامیه این جشنواره «اماهی و گربه» از سوی هیات داوران برای ساخت اثری جسورانه و نوآورانه مورد تقدیر قرار گرفت و نشان ویژه جشنواره و دریافت کرد و سپس جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران به این اثر تعلق گرفت. «اماهی و گربه» در بخش مسابقه فیلم‌های بلند سینمایی این جشنواره با هفت فیلم دیگر رقابت می‌کرد. شهرام مکرری که برای شرکت در این جشنواره به اسلونی سفر کرده است هنگام دریافت جایزه با اشاره به بازی فوتبال تیم ایران مقابل آرژانتین گفت: «شروع واقعی و اشدب فوتبال‌سای ایران از اینجا داشتند» و جایزه خود را به تیم فوتبال ایران تقدیم کرد. بی‌آف‌اک که نام اختصاری «جشنواره بین‌المللی فیلم بلد» است از تاریخ بیست‌و هفتم تا ۲۱ خرداد در شهر زپیا و تورسی بند در کشور اسلونی برگزار می‌شود. اسامال در بخش رقابتی این جشنواره فیلم‌هایی از کشورهای فرانسه، هلند، آمریکا، استرالیا و هندوستان حضور داشتند. جایزه بهترین فیلم جشنواره را فیلم «ره‌تازیک» از کشور اسلونی دریافت کرد و جایزه بهترین بازیگر زن به «اویو آناو» از کشور آمریکا و بهترین بازیگر مرد به «بنونیویا پلورود» از کشور فرانسه تعلق گرفت. فیلم «آخرین لمس» از اقیانوسیه جایزه بهترین فیلم مستند را دریافت کرد. ۲۳ فیلم در بخش‌های مختلف این جشنواره به نمایش درآمد و جایزه تماشاگران جشنواره از میان تمامی این فیلم‌ها به «اماهی و گربه» محصول ایران‌نویں فیلم اهدا شد.

پخش کننده بین المللی این فیلم محمد اطبايي است. جشنواره ادينپورو انگلستان ميزبان بعدي «ماهي و گربه» خواهد بود.

طرح: علی جهانشاهی، شرق



کار، اخلاق و خانواده هم گفتند دوره‌های آموزش موسیقی حلقه در تابستان سال جاری برگزار نخواهند کرد. البته مسوولی که در بخش آموزش فرهنگسرای کار، پاسخگوی سؤالات مربوط به دوره‌های آموزشی بود وقتی در مورد لایروندن کلاس‌های موسیقی پرسیدیم، بدون اطلاع از صحبت با یک خبرنگار گفت: «موسیقی از فرهنگسرای حذف شده است.» با توجه به این وضعیت بنظر می‌رسد آموزش موسیقی در فرهنگسراها به موضوعی غیرشفاف تبدیل شده است. از یکسو مدیران سازمان فرهنگی هنری شهرداری از روند ساماندهی آموزش موسیقی در فرهنگسرا خبر داده و برگزارنشدن برخی از کلاس‌ها را ناشی از این اقدام می‌دانند، از سوی دیگر برخی از کلاس‌ها که هنوز دوره‌های آموزش موسیقی در آنها مشخص نیست، پاسخ روشنی در این زمینه نمی‌دهند. با این حال حتی اگر بحث ساماندهی آموزش رشته‌های هنری در فرهنگسرا مطرح باشد، هنوز این سوال مطرح است که چرا این اقدام از موسیقی شروع شده و این سازمان در اولین گام خود به سراغ این هنر می‌رود.

ضمن اینکه باید به این نکته هم توجه داشت: با تعطیلی دوره‌های آموزش موسیقی، تعدادی مربی بیکار می‌شوند بدون اینکه مشخص باشد سرنوشت کلاس‌هایشان چرمانی‌وار روشن خواهد شد.

آموزش‌های سطح پایین در معرض انتقاد بوده و اکنون برای رفع نواقص این حوزه تصمیم جدی داریم. متأسفانه تعدادی از هم‌پیمان موسیقی فرهنگسراها توان لازم آموزشی را ندارند و رفع این مشکل نیازمند عزم جدی است.»

با تعطیلی مدارس و شروع فصل تابستان، کلاس‌های تابستانی فرهنگسراها نیز شروع می‌شود. به همین دلیل به‌بهرای تعدادی از فرهنگسراها رفیق‌ها در مورد موقعیت آموزش موسیقی در این مکان‌ها، وضعیت شفاف‌تری بدست آوریم. برخی از فرهنگسراها اصرار زیادی به مراجعه حضوری حتی برای کسب اطلاع از انواع دوره‌های آموزشی خود داشتند. فرهنگسرای شفق در پاسخ به این پرسش که کلاس‌های موسیقی در تابستان دایر است یا نه، پاسخ داد به مراجعه حضوری مجرب‌ب‌دست و به‌دنبال وارد شدن این زمینه، به گفتن این جمله بسنده کرد: «احتمال دارد تا هفته آینده کلاس آموزش موسیقی شروع شود.» با این حال همان‌طور که گفته شد هر نوع اطلاعی در مورد برپایی کلاس را منوط به مراجعه حضوری دانست. فرهنگسرای بلو و امید در مورد برگزاری کلاس‌های موسیقی گفتند هنوز مشخص نیست باید این موضوع را ظرف روزهای آینده پیگیری کنیم. فرهنگسرای اندیشه، انباشته اقوام و بهمن نیز از قطعی بودن این دوره‌ها در تابستان انال‌جاری خبر دادند و فرهنگسرای

بالاترین آموزش موسیقی در فرهنگسراها ادامه دارد

مريان بیکار هنرجویان سرگردان

سحر آزاد: آموزش موسیقی در فرهنگسراها یک صحنه شطرنج است. هر مدیری بنا بر سلیقه و رویکرد خود، مهره‌هایش را می‌چیند بدون اینکه مسیر و نقشه مشخصی وجود داشته باشد و با آمدن مدیر بعدی، مهره‌های سرگردان یا سرکاری خود باقی می‌مانند یا از نو پخته می‌شوند هر چه هست چیزی از پیروزی آنها به سمت جلو نیست.

موسیقی همیشه برای اهالی‌اش داستان پر فراز و نشیبی داشته و معمولاً همراه با گالایه موسیقیدان‌ها یعنی بر کم‌توجهی به آن بوده است خصوصاً که چندین متولی هم دارد. به غیر از دفتر موسیقی وزارت ارشاد، سازمان فرهنگی شهرداری تهران هم دارای دفتر موسیقی است و یکی از نهادهای ریزجوجه این سازمان، فرهنگسراها هستند که در زمینه آموزش موسیقی هم فعالیت می‌کنند حالا اما وضعیت آموزش موسیقی در فرهنگسراها دچار حرف و حدیث‌های زیادی شده است. فرهنگسرا هم جرقه اولیه آن تا توجه به رویکرد فرهنگی در شهرداری در دوره غلامحسین کرپاسچی بود و افتتاح فرهنگسرای بهمین کلیه خورد، بر ابتدای راه خود مسیر بلگرم کشنده‌ای را برای فرهنگ و موسیقی قرض زد و به محلی برای حضور علاقه‌مندان هنر تبدیل شد. با این حال در طول این سال‌ها که فرهنگسراها فعالیت خود را ادامه داده‌اند، موسیقی به موضوع چالش برانگیزی تبدیل و باعث شده در دوره دو با توجه به رویکرد مدیران مورد بحث قرار بگیرد. این مساله حتی تا همین سال‌های اخیر هم ادامه داشته است. امیر تهران در نخستین سمپوزیوم موسیقی فرهنگسرا در شهریور ۱۳۸۴، رئیس سابق سازمان فرهنگی شهرداری تهران در تیسستین سال گذشته که تیرماه سال ۹۱ برگزار شد، درباره حذف برنامه‌های آموزش موسیقی از فرهنگسراها به تهران به خبرنگار فارس گفته بود: «ما برنامه‌ای برای توسعه و گسترش موسیقی در سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران نداریم! اما کلاس‌هایی که قبلاً دایره بوده است، ادامه می‌یابد ولی رویکرد ما محدود کردن این آموزش‌های موسیقی است»، او تا تأکید بر اینکه آموزش موسیقی جزو اولویت‌های این سازمان نیست، عکود کرده بود: «آنچه در کلاس‌های آموزش موسیقی در آموزشگاه‌های تخصصی وجود دارد، با فضای آموزش موسیقی در فرهنگسراها متفاوت است بنابراین تلاش ما این است که به مرور به رشته‌های مهم‌تر نیازمندی که بیشتر با مأموریت اصلی این سازمان همخوانی دارد بپردازیم و آنها را گسترش دهیم». خوارکمال البته این رویکرد را منحصر به موسیقی ندانسته بود: «این رویکرد نه

موسیقی

با «بخشنامه» تعطیل نمی‌شود



بھروز غریب پور
رییس سابق
فرہنگسرای بہمن

● **سعدی‌با کر سخن گفتن در علم موسیقی**

خلاصات / گوش جان بید که معلومش کند اسرار دل

تعمداً با بینی از سعدی شروع کردم که منع‌کنندگان آموزش موسیقی فوراً متهم نکنند که فرهنگ‌دوایی از اسلام‌بی‌خبری ... خلاصه باورش‌ناشد که در شناخت موسیقی و ارزش‌های آن از سعدی که در قرن هفتم می‌زیسته و از رادیو و تلویزیون و اجرای زنده موسیقی خبری نبوده بسیار غیبت‌ترند و ملحق درکی از عظمت تأثیر موسیقی بر فرهنگ و تمدن ندارند. یا از زبان کنفوسیوس باید به آنها تذکر داد که سه‌هزارسال پیش گفته است اگر می‌خواهید تمدن کنشوری را در گروگان کنید موسیقی آن را درگروگان کنید... بنابراین این آقایان نه‌از سعدی نه‌از کنفوسیوس و نه‌از موسیقی اطلاعی ندارند و هرازچندگاه ویرشان می‌گیرد که چیزی را و البته به تکرار موسیقی را منع کنید بی‌تردید موسیقی با این قبیل بخشنامه‌ها تعطیل نمی‌شود حتی آموزش موسیقی تعطیل نمی‌شود بلکه به درون خانه‌ها کوچ می‌کند و خدا می‌داند در خانه‌ها چه می‌آموزند و چگونه می‌آموزند. به هر حال آن زمان که من مدیر فرهنگسرای پهلانی بودم جرمم پرداختن به موسیقی بود؛ در حالی که از هنر جوانان و اعضای ارکسترهای مختلف فرهنگسرای پهلانی کسانی قلعلم کرده‌اند که امروز و به مناسبت‌های مختلف در رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی آثارشان پخش شده و می‌شود و به‌کرات هم مورد تقدیر و تشویق قرار گرفته و می‌گیرند. این مساله روشنگر آن است که آقایان بلمون گزدرکن پاره می‌کشند و بدون بررسی‌ای عمیق بخشنامه صادر می‌کنند و در این میان باید به شورای شهر و شهردار تهران تسلیت گفت که مدیرانی را بر سر می‌گذارند که با مولفه‌های فرهنگ بیگانه‌اند. کسانی که نمی‌دانند قاریان برجسته اسلامی اگر مسلط بر علم موسیقی نباشند دنیا وحی را به شایسته‌ترین انتقال نخواهند داد. کسانی که نمی‌دانند که جز با عمل درست فرهنگی و تولید آثار فرهنگی نمی‌توان در مقابل هجوم فرهنگی به‌خصوص موسیقی ایستاد و تسلیم نشد. به هر حال ما به‌زودی شاهد خواهیم بود که این بخشنامه را ملغی خواهند کرد؛ اما دروغ که درد که دایماً خطاهای گذشته را تکرار می‌کنند و گوش جان بید ندارند که به قول سعدی اسرار و رموز را درک کنند.

ادامه از صفحه ۷

«اشباح» بی حوصلہ

اما بازیگری هم که همیشه از بزرگترین امتیازات کارهای مهرجویی بود در «اشباح» بیشتر از تمام کارهای قبلی‌اش نزول کرده است به نحوی که مجموع بازی‌های این فیلم، را می‌توان ضعیف‌ترین بازی‌ها در کل فیلم‌های مهرجویی دانست و «امیرعلی دانایی» را ضعیف‌ترین بازیگر تمام کارهای او.

دیالوگ گویی «مازیار» در لحظات احساسی فیلم دیدنی ماندند دیالوگ گویی نابازنگری است که نه تا حالا دوربین دیده و نه حتی فیلم بازی او هم به غیرقابل بلوری ضعیف است از جمله وقتی در اواخر فیلمی از فراشگری مادرش متوجه می شود دختری که عاشقش بود و می خواست با او ازدواج کند خواهرش است نه تنها هیچ احساسی در چهره اش نمی بینیم بلکه خیلی راحت می گوید: «من هنوزم تو را دوست دارم. اما مثل خواهر». این را مقایسه کنید با بازی بیرونی و مناسپ «رزا» (هنگامه حمیدزاده) در همان صحنه. این بازیکنه و ظاهر «مازیار» بیشتر شبیه آدمهای عارف‌مسک است تا هنرمند و برتر شبیه بازی و ظاهر «معمار» (حسن معجونی) که بیشتر ترکیب هنرمندان است تا معماران. واقعا پیش از انقلاب کدام معماری، ظاهری را داشتند که «معجونی» در این فیلم دارد؟ همایون ارشادی که امکان همان تنبیه و بازی کلیشهای همیشگی اش را ارایه می دهد. معنای بارگرمی که بازی‌های خود پر زبانی را از او دیدیم می‌فهمیم بهتر. بازی تمام دوره کارش را در این فیلم ارایه می دهد. در صحنه‌ای که از بیماری و مرگ نزدیک پرسش باخبر می شود، هیچ احساس، هیجان و شوکی در چهره اش دیده نمی شود. اینکه مهرجویی ۲۲ سال پس از «اسرار» دوباره گرفتار اقتباس اثری از ایسن می رود شاید برای برخی‌ها نشانه امیدوارکننده‌ای از پایان روند نزولی چندساله اخیر او باشد اما مهم این است که او چگونه می گوید نه اینکه چه می گوید. فساد و زندگی‌های ویران طبقه اشراف به خودی خود حرفی کلیشهای و تکراری است اما آیا بر شگافتن این نظر کوچک‌ترین اثری در تحلیل بازی و روانشناختی، فلسفی و اجتماعی که در کارهای نظیر: هلمون، پری، بانو، سارا و... وجود داشت، دیده می شود؟ قهرمان‌ها تنها مربوط به صحنه‌های ورزشی نیستند. هر جویی هم برای چند نسل قهرمانی بود در حوزه خودش و معمولاً انسان‌ها (در هر جای دنیا) دوست ندارند سقوط قهرمانان‌شان را ببینند. اما واقعیت هرگز تغییر نمی کند حتی اگر ما چشممان را ببندیم، پس چراما نداریم جز این‌ها بگوییم: خداحافظ مهرجویی هلمون!

هشدار «ناظری» در یادمان چهلمین روز کوچ «لطفی»:

مرگومیر در موسیقی زیاد شده است



دنیا عیوضی: همان قامت
بلند با لباس سر تا پا
سفید و موهای نشسته
بر شانه‌هایش در صحنه با
شکوه تالار وحدت؛ تصویر
ضبط‌شده‌ای از استاد تار
ایران در حین نواختن
ساز که برای لحظاتی از
پرده تالار پخش شد و
انده از دست‌دادنش بار
دیگر پس از ۴۰ روز بر

شانه‌های خاضران نشست. چهلمین روز در گذشت محمدرضا طلفی با مراسم یادمانی برایش سپری شد. یادمانی پرزدحام، از تماشاگران و دوستانش گرفته تا چهارده هنر و موسیقی ایران همه به یادش گرد هم جمع شده بودند. از حسین ابراهه و محمد معتمدی و علی اکبر شاکرچی که برایش قطعاتی را زده از گردنند تا نظری که گفت مرگ محمدرضا طلفی را باور نمی‌کنم و نبود او برای کلبیس است. شهرام نظری که تنها سخنران این مراسم یادبود بود؛ با اشاره به از دست رفتن استادان موسیقی گفت: مدت‌هاست که می‌بینم هر وقت کُللِ هم جمع می‌شویم و سعادت دیدار را پیدا می‌کنیم تقریباً به خاطر این است که موسیقیدانی از یک ماهه است، این مساله در چند وقت اخیر تبدیل به یک موضوع تکراری شده که اتفاقاً باعث ایجاد من نیز هست و کویتی قتل عامی در حوزه موسیقی اتفاق افتاد است چرا که در رشته‌های دیگر عرصه فرهنگ و هنر تا به این حد مرگ و میر زیاد نیست و به همین خاطر است که من به شدت متعجب بودم» از آلودوشی را از درگذشت محمدرضا طلفی چنین بیان کرد: «یکی از دوستانم در زمان فوت پرویز مشکاتیان گفت که وی دق کرد و این جمله بسیار عجیبی برای من بود که چطور ممکن است استادی به بزرگوار پرویز مشکاتیان در آن سطح از خلاقیت به زنگاری در مرحله‌ای برسد که از موسیقی زده شده و سال‌ها دستی به ساز نزنند و با اهل هنر رابطه‌ای برقرار نکند و به نظر من این یک واکنش عجیب است که خیلی هم غیرطبیعی نیست چرا که در زمره هنرمندانی بود که سال‌ها با موسیقی دست و پنجه نرم کردند و شاید او به سنالاش چون محمدرضا طلفی افرادی را مشاهده بودند که با مشکلات می‌جنگیدند و اینجین به یکباره از پیش ما رفتند.

ناظری همچنين از تاثيرات لطفي در عرصه موسيقي گفت و او را استادي كه نظير و خستگي ناپذير در عرصه موسيقي دانست: «من از نزديك شاهد بودم كه هنرمندي نشسته، پر از انرژي و پر از آتش بود. او در هر شرايطي ايستاد و كار كرد و همان دوره اول از زندگي اش به قدری پربار بود كه فكر مي كنم همان دوره براي من براي ماندگاري در تاريخ فرهنگ و هنر اين سرزمين كافي باشد. متأسفانه گوهرهاي

هنر این مملکت کم کم در حال از بین رفتن است و متأسفانه ما نتوانستیم آنطور که باید و شاید از این مفاخر استفاده کرده و از دانش بزرگان برای بهرمندی در جامعه استفاده کنیم. در مجموع با اینکه تلاش‌هایی از طرف مسوولان برای حمایت از فرهنگ و هنر سرزمین ما انجام گرفته اما در مجموع هنرمندان زیر فشار بودند و حالا این فشارها سر باز کرده و غیرمنتظره مرگوسیر وحشتناکی را با وجود سن کم هنرمندان به همراه آورده است. قدر طول می‌کشد که یک مشکاتیان با یک لطفی به وجود بیاید. به اعتقاد من شاید تا صدسال دیگر هم این موضوع اتفاق نیفتد.»

کلون چلوش هم البته بخشی از صحبت‌های شوالیه آواز بود که آن «ارنستاس عرصه موسیقی» دانست: «به نظر من هنوز اگر آثار ماندگاری را در زمینه موسیقی می‌شنویم با دلاگری گروهی است که کلون چلوش را تسکین دادند و با یادگار عشق کارهایی را خلق کردند که بشیر مومین و آرزومند هستند. ما تربیت‌شده همان ذهنیت بودیم. ما تربیت‌شده نسلی هستیم که ممکن است دیگر تکرار نشود و من امیدوارم دوره گذار برداشته شود و ما مباحثات اتفاقی عظیمی در همه گونه‌های هنری باشیم. امیدوارم جوی به وجود بیاید که دوست‌ها بیشتر شود و ما از نبودن بزرگانی چون لطفی، شاکری، پایور در دست بگیریم. درس‌هایی که نشان گرفته از زحمات و روح خستگی ناپذیر این هنرمندان دارد» در بخش‌هایی از مراسم فیلمی از خاطره‌گویی‌های دوستان لطفی و کسانی که این اواخر از آنها برطای نداشت، به اجرا درآمد. شخصیت‌هایی چون محمدرضا شجریان، بیژن مکملر، محمود دول‌آبادی، علی اکبر شاکری، بهرام دبیری و هنرمندان دیگری در این فیلم از لطفی سخن گفته‌اند. صاحب کتاب کلیدر در بخشی از فیلم خاطره‌ای از لطفی را چنین تعریف کرد: «روزی به دیدار لطفی رفتم دیدم نشسته و درباره اجرای خود در ایتالیا که باعث شد سال‌ها مهاجرت ناخواسته داشته باشد گفت که چطور در آن شرایط سخت و پس از بازجویی از پله‌های صحنه بالا رفتم و چگونه افتاد! تصویر افتادن او با آن قامت بلند در ذهنم مانند نگاشتن یاد هست که تاکید می‌کرد ما همیشه غافلگیر می‌شویم. همیشه از جایی که فکرش را نمی‌کنیم غافلگیر می‌شویم.»

قطعه‌ای از علی‌اکبر شاکری از دوستان نزدیک لطفی و از استادان موسیقی نوای ایران در مراسم از یادداشت شاکری ماندن روز خستگی‌ناپذیری شاکری و داغ از دست‌دادن لطفی را با نواهای سازش با حاضران در میان گذاشت.

آبان جنوبی: خیابان کریم خان زند
خیابان آبان جنوبی، نبش چهارراه ورشو
۸۸۹-۴۶۲۵

فرشته: فرشته - سام سنتر
۲۲۶۵۳۸۴۱

ሃሃፍዕሳሊደ

نیاوران: خیابان دکتر باهنر (نیاوران)
قبل از دوراهی دزاشیب

ሃሃሃሂደደ■

۲۲۷۲۴۴■

www.leon1960.com

۶ مرداد

人 ٲر

Happy Ramadan

ضيافت افطار در رستوران لئون

نیاوران: خیابان دکتر باهنر (نیاوران)
قبل از دوراهی دزاشیب

ሃሃሃሂደደ■

۲۲۷۲۴۴■